

مالیات ارزش افزوده در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی

محمدحسین مرادی حسن‌آباد، mohamadhosin moradi66@gmail.com

کارشناس مالیاتی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی فردوس، فردوس

احمد نظامی، nezami.ahmad@ymail.com

دانشجوی دکتری حسابداری، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور قاین، قاین

چکیده - اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود، که قطعاً باور مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خودتکایی است. یکی از مهمترین محورهای اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی تکیه مخارج دولتی بر دریافت مالیات و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی می‌باشد. مالیات‌ها به عنوان معمول‌ترین و مهمترین منبع مالی برای تأمین درآمدهای عمومی و یکی از موثرترین ابزارهای سیاست‌های مالی دولت به شمار می‌روند. دولت می‌تواند به واسطه آن بسیاری از خدمات اجتماعی و رفاهی را در خدمت مردم قرار دهد و به بسیاری از فعالیت‌ها و جریان‌های اقتصادی و اجتماعی سمت و سوی لازم را ببخشد. بالا بودن سهم منابع حاصل از فروش نفت و پایین بودن سهم وصولی‌های مالیاتی در ترکیب منابع بودجه عمومی دولت، علاوه بر آن که عوارض ناگواری را همچون وابستگی درآمد کشور به صدور یک کالا دربر دارد، اقتصاد کشور را از امکان استفاده موثرتر از مالیات‌ها برای اعمال سیاست مالی محروم ساخته است. شاخص‌های ارزیابی نظام مالیاتی ایران نظیر سهم پایین مالیات‌ها از تولید ناخالص داخلی و منابع تأمین بودجه، بیانگر آن است که نظام مالیاتی کشور از ساختار مطلوبی برخوردار نیست. در این مقاله ضمن تعریف و بیان مفهوم اقتصاد مقاومتی ساختار نظام مالیاتی ایران و موانع و مشکلات آن و نقاط ضعف آن بررسی شده است در ضمن با هدف بهبود نظام مالیاتی کشور اصلاحات ساختاری در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مالیات، نظام مالیاتی ایران، اقتصاد مقاومتی

مقدمه

مقوله اقتصاد مقاومتی چندی است توسط کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی به عنوان راهکاری برای برون رفت از تنگناها و مشکلات ایجاد شده ناشی از تحریم‌های بین‌المللی مطرح و پس از تأیید، به عنوان یک سیاست اجرایی توسط رهبر معظم انقلاب به دولت ابلاغ شده است. اقتصاد مقاومتی ادبیاتی است که برای مقابله

با تحریم‌های بین‌المللی مطرح شده و این قابلیت را دارد که با بهره‌گیری از اصول و پایه‌های صحیح اقتصادی موجب کمرنگ‌تر شدن وابستگی به کشورهای دیگر شود. براساس این طرح، تقویت تولید و کاستن از هزینه‌های اضافه دولت با مدیریتی یکپارچه و هوشمندانه که بتواند با کمترین هزینه، بیشترین سود را عاید کشور سازد مورد تاکید و تایید مسئولین می‌باشد. رهبر معظم انقلاب با تیزبینی همیشگی خود اقتصاد مقاومتی را اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو دانسته‌اند. با توجه به ابلاغیه معظم‌اله از مهمترین ویژگی‌های تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور می‌توان به رشد سرمایه‌گذاری و بهره‌وری، توسعه کارآفرینی، پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف، افزایش تولید داخلی کالاهای اساسی، تامین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی، لزوم اصلاح الگوی مصرف، و ... نام برد. (پژمان و همکاران، ۱۳۸۹).

نکته‌ی بسیار مهم در این مقوله توجه ویژه رهبر معظم انقلاب به اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی در بند نهم این سیاست‌ها است که هدف اصلی از مطرح شدن آن ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش تولید می‌باشد. این روزها که مبحث اقتصاد مقاومتی به شاه بیت مباحث اقتصادی کلان کشور بدل شده، توجه به منابع مالی و ارزی دولت در حوزه‌هایی غیر از انرژی و نفت بیش از گذشته احساس می‌گردد. تحریم‌های اعمالی از سوی قدرت‌های زورگوی بین‌المللی و ایجاد پاره‌ای از مشکلات در بخش‌هایی از اقتصاد کشور سبب شده تا امروز نگاه تحول‌گرایانه جدی در زمینه اقتصاد و تامین منابع پولی و مالی کشور پدیدار شود. به همین دلیل باید این اتفاق بزرگ را سرمنشاء تغییری بزرگ و بنیادین در بدنه اقتصادی کشور به شمار آورده و آن را فرصتی طلایی در تاریخ اقتصادی کشور دانست. چرا که متاسفانه قصه تلخ و دیرینه وابستگی اقتصاد کشور به منابع زیرزمینی خود، چنان به تکرار مکررات و امری متداول مبدل شده که گویی قرار نیست از این پيله وابستگی به فروش نفت خارج شویم. اما با نگاه جدی و پیگیرانه مسئولان و مدیران بلندپایه کشور به مسئله اقتصاد مقاومتی و رهاپایه شدن اقتصاد ایران از دامان نفت و منابع زیرزمینی خود می‌توان به شکوفایی هرچه بیشتر اقتصاد کشور امیدوار بود. در این میان توجه به حلقه‌های مغفول مانده در اقتصاد که سبب کسب درآمد و رونق چرخه‌های اقتصادی گردد، مهم‌ترین پایه و اصل در مقوله اقتصاد مقاومتی است. ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالای صنعتی و اقتصادی در کشور گواه آن است که بدنه اقتصاد ایران در ذات خود دارای توانایی‌های بالقوه چشمگیری است که با بالفعل شدن آنها می‌توان هم به رونق

فعالیت‌های اقتصادی در سطح خرد و روزمره یاری رساند و نیز باعث افزایش درآمدهای دولت و تسهیل در فرآیند اقتصاد کلان کشور شد (فرزادینیا، ۱۳۹۳).

در این راستا مالیات و درآمدهای مالیاتی را می‌توان به تنهایی از بزرگ‌ترین ابزارهای دولت در مسیر اعتلای اقتصاد مقاومتی دانست. تکیه دولت به منابع مالیاتی از یک‌سو سبب کاهش وابستگی دولت و ملت به منابع زیرزمینی می‌گردد که تنها در اختیار ما نبوده و آیندگان نیز به نوبه خود در بهره‌گیری از آن صاحب حق و امتیاز می‌باشند. از سوی دیگر نیز زمینه‌ساز پویایی و نشاط در بازارهای کشور و فعالیت‌های تولیدی و صنعتی می‌گردد اما این مسئله زمانی می‌تواند مایه امیدواری در اقتصاد کشور گردد که نظام مالیاتی ما نظامی کارآمد و موفق باشد. با توجه به هزینه‌های دولت و نااطمینانی کشور به درآمدهای نفتی اصلاح نظام مالیاتی کشور یکی از مهمترین مسائل اقتصاد کشور است. با توجه به افزایش هزینه‌های عمومی دولت و نوسانات درآمد نفتی طبیعی است که دولت برای تأمین این هزینه‌ها نیاز به درآمد مالیاتی مطلوب و مناسب دارد. حجم درآمدهای مالیاتی در کشور نشان می‌دهد که شکاف زیادی میان ظرفیت بالقوه و بالفعل مالیاتی کشور وجود دارد. با توجه به اطلاعات آماری به دست آمده پایین بودن سهم مالیات‌ها در تأمین مخارج دولت است که کسری بودجه دولت در سال‌های مختلف را تشدید نموده است، بنابراین اصلاح و تجدیدنظر در نظام مالیاتی کشور ضروری است (پورغفار و همکاران، ۱۳۹۳).

مالیات

مالیات مبلغی است که افراد و مؤسسات برای تأمین بخشی از هزینه‌ها و تحقق برخی از اهداف دولت می‌پردازند و معمولاً متناسب با میزان درآمد، و یا ثروت آنها تعیین می‌گردد. (عسگری، ۱۳۹۲) مالیات‌ها به عنوان معمول‌ترین و مهمترین منبع مالی برای تأمین درآمدهای عمومی و یکی از کاراترین و موثرترین ابزارهای سیاست مالی در دنیا به شمار می‌رود که دولت می‌تواند به واسطه آن بسیاری از خدمات اجتماعی و رفاهی را در خدمت مردم قرار دهد و به بسیاری از فعالیت‌ها و جریان‌های اقتصادی و اجتماعی سمت و سو ببخشد. (امینی، ۱۳۸۷) متأسفانه تلقی برخی از افراد از وصول مالیات‌ها در ایران محدود به کسب درآمد بیشتر به منظور اداره کردن تشکیلات دولتی است و آنچه کمتر به آن توجه می‌شود این است که بالا بودن سهم وصولی‌های درآمدی حاصل از نفت و پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی در ترکیب درآمد دولت علاوه بر آنکه عوارض ناگواری همچون وابستگی درآمد کشور به صدور یک کالا را دربر دارد؛ اقتصاد کشور را از امکان استفاده از

ابزار مالی محروم ساخته است. در حالی که با استفاده از این ابزار می‌توان بسیاری از نابسامانی اقتصادی را به سمت صحیحی هدایت نمود. دولت‌ها مالیات را برای رسیدن به اهدافی وضع می‌کنند. (فرزادینیا، ۱۳۹۳)

اهداف وضع مالیات

۱. تحقق بخشی از درآمدهای دولت
 ۲. تعدیل توزیع درآمد و ثروت جامعه
 ۳. کنترل و هدایت مخارج و هزینه‌ها در اقتصاد
 ۴. کنترل حجم واردات و صادرات که دارای انواع مستقیم و غیرمستقیم هستند.
- مالیات‌های مستقیم که دولت بر دارایی و درآمد افراد و مؤسسات وضع می‌کند.
- الف) مالیات بر دارایی، مانند: ۱. مالیات ارث ۲. حق تمیر
- ب) مالیات بر درآمد، مانند: ۱. مالیات درآمد املاک ۲. مالیات بر درآمد حقوقی
- مالیات‌های غیرمستقیم که بر قیمت کالاها و خدمات اضافه شده می‌باشد:
- الف) مالیات بر واردات، مانند: ۱. حقوق گمرکی
- ب) مالیات بر مصرف و فروش، مانند: ۱. مالیات نوشابه‌های غیرالکلی
- در بعد اجتماعی مهمترین هدف مالیات همانا بهبود توزیع درآمد بین طبقات مختلف درآمدی است (مهدوی-فر، ۱۳۹۳). هدف اقتصادی از وضع مالیات بر اقشار مختلف عبارت است از تخصیص بهینه منابع بین بخش‌های مختلف اقتصادی و کنترل نوسانات احتمالی در اقتصاد و در نهایت هدف بودجه‌ای اخذ مالیات را می‌توان تامین منابع مالی دولت قلمداد نمود. بنابراین تعیین سیاست‌های مالیاتی، به شکلی که اهداف مذکور تا حد قابل قبولی به دست آیند، یکی از مسائل بسیار مهم در حوزه سیاست‌گذاری خواهد بود. سازمان امور مالیاتی کشور یکی از سازمان‌های زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی است که وظیفه شناسایی، تشخیص و مطالبه و وصول مالیات‌ها اعم از مستقیم و غیرمستقیم را برعهده دارد. وصول مالیات براساس شیوه‌های زیر انجام می‌شود: (گزارش معاونت برنامه‌ریزی و راهبردی ریاست جمهوری)

- شناسایی مؤدیان و فعالیت‌های اقتصادی آنان

- رسیدگی و تشخیص

- مطالبه و وصول

نارسایی‌های وصول مالیات در اقتصاد ایران

جمع‌آوری مالیات در ایران مشکلاتی دارد که از آن جمله می‌توان به مواردی همچون ندانستن میزان درآمد مؤدیان، مستند نبودن میزان درآمد مؤدیان، نبود امکان مبادله کامل اطلاعات، نبود یک نظام نظارت و پیگیری برای اخذ مالیات، نبود امکان تهیه آمارها و گزارش‌های دقیق مالیاتی و متناسب نبودن میزان مالیات با توجه به ارزش روز کالا اشاره کرد (امینی، ۱۳۸۷)

ساختار نظام مالیاتی ایران

یکی از ارکان اصلی و مهم نظام اقتصادی کشور نظام مالیاتی آن است. نظام مالیاتی به دلایل مختلف از جمله وفور درآمدهای نفتی در برهه‌های مختلف متناسب با ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی کشور که اکنون براساس شاخص برابری قدرت خرید به عنوان هفدهمین اقتصاد کشور قدرتمند جهان به لحاظ حجم تولید ناخالص داخلی است توسعه نیافته است. علیرغم موهبت‌های نفت و درآمدهای نفتی، نوسان‌های قیمت نفت در بازارهای جهانی آسیب‌های بسیاری متوجه اقتصاد کشور کرده است و بر این اساس و با شناخت کافی از آسیب‌هایی که متوجه اقتصاد و حتی امنیت ملی کشور بوده است سیاست‌گذاران کشور همواره در برنامه‌های مختلف بر ضرورت کاهش سهم نفت در بودجه دولت تأکید داشته‌اند و نمونه عینی این تلاش‌ها را می‌توان در برنامه‌های مختلف توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به وضوح مشاهده کرد. با این وجود، متأسفانه به دلایل مختلف در دهه‌های قبل عزم راسخ و عملی در این راه وجود نداشته است. (فرزادینیا، ۱۳۹۳) همانند برنامه‌های گذشته در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه نیز بر قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمدهای نفت و گاز تا پایان برنامه و نیز جبران نابرابری‌های غیرموجه درآمدی از طریق سیاست‌های مالیاتی تأکید شده و رسیدن نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی حداقل به ۱۱ درصد در پایان برنامه و نیز رشد سالانه ۱۱ درصدی نسبت درآمدهای عمومی به استثناء درآمدهای نفت و گاز به اعتبارات هزینه‌ای از اهداف راهبردی برنامه پنجم توسعه بود. علاوه بر الزامات قانونی مذکور، شرایط فعلی درآمدهای ارزی دولت و عدم پایداری درآمدهای نفتی به دلیل تحریم‌های نظام سلطه بر کشورمان، حرکت به سوی کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی بیش از پیش احساس می‌شود. با داشتن چنین رویکردی با وجود تحمیل برخی هزینه‌های ناشی از سیاست‌های تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران این شرایط می‌تواند بستری برای تبلور توانمندی‌های نظام اقتصادی

کشور باشد. علیرغم تلاش‌های صورت گرفته طی سال‌های اخیر برای توسعه نظام مالیاتی کشور هنوز نظام مالیاتی کشور با چالش‌های زیادی روبرو است (جعفری، ۱۳۹۴)

بدیهی است رسیدن به یک نظام مالیاتی مطلوب که بتواند در کنار تامین مالی بودجه دولت و تامین برابری و عدالت؛ رشد اقتصادی را تضمین کرده و محرک اقتصاد باشد، به عملکرد ارکان تشکیل‌دهنده نظام مالیاتی یعنی تولید ملی، قوانین و مقررات مالیاتی و سازمان وصول مالیات بستگی دارد.

موانع و مشکلات نظام مالیاتی کشور

نظام مالیاتی کشور را می‌توان مشتمل بر سه رکن اصلی تولید ملی (و نحوه توزیع آن)، قوانین و مقررات مالیاتی و سازمان وصول مالیات دانست که در هر یک از ارکان، موانع و مشکلاتی برای دستیابی به سیستم مالیاتی مطلوب وجود دارد (احمدی و میلانی، ۱۳۹۴)

مهمترین موانع نظام مالیاتی کشور از منظر تولید ملی و نحوه توزیع آن

۱. طی برنامه چهارم توسعه بخش خدمات با سهمی معادل ۴۸٫۸ درصد بیشترین سهم از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، علی‌رغم اینکه ارزش افزوده بخش مشاغل به طور میانگین ۲۶ درصد GDP محاسبه شده است، اما سهم مالیات پرداختی توسط این بخش از مالیات‌های مستقیم تنها ۸٫۹ درصد بوده است. بنابراین بخش اشخاص حقوقی به دلیل داشتن فعالیت‌های مالی نسبتاً شفاف بیشترین بار مالیاتی را در اقتصاد کشور متحمل می‌شوند.

۲. سنتی بودن نظام توزیع و بخش مشاغل

مقایسه ارزش افزوده بخش مشاغل و اشخاص حقوقی نشان می‌دهد که ارزش افزوده بخش مشاغل تقریباً برابر با ارزش افزوده اشخاص حقوقی می‌باشد، در حالی که نسبت مالیات پرداختی اشخاص حقوقی به مالیات پرداختی توسط بخش مشاغل از ۳٫۸ به ۹٫۶ افزایش یافته است. همچنین نرخ مؤثر مالیاتی نیز بین ۱٫۱۲ تا ۱٫۹۵ درصد در نوسان بوده است که رقمی بسیار پایین می‌باشد.

۳. سهم بالای بخش‌های معاف از مالیات (محدود بودن پایه‌های مالیاتی)

بخش کشاورزی و صادرات غیرنفتی به طور متوسط از سهمی برابر با ۹٫۳ و ۵٫۵ درصد از تولید ناخالص بر خوردار بوده‌اند. بنابراین مجموعاً سهمی حدود ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور از مالیات معاف هستند و تنها ۸۵٫۲ تولید ناخالص داخلی کشور مشمول مالیات بوده است. همچنین در خصوص معافیت‌های

مالیاتی بخش نفت نیز تردیدهای زیادی وجود دارد و چنانچه ارزش افزوده این بخش را نیز در نظر نگیریم، حدود ۳۹ درصد اقتصاد کشور از مالیات معاف می‌شود.

۴. حجم نسبتاً بالای اقتصاد زیرزمینی

براساس مطالعات موجود، دولت از حدود ۲۴ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور به دلیل فعالیت‌های غیررسمی، نامنظم، ثبت نشده و قاچاق نمی‌تواند مالیات دریافت کند. برآوردهای انجام شده در سازمان امور مالیاتی حاکی از این است که دولت تنها به دلیل قاچاق کالا سالانه به طور متوسط ۱۲۰۰۰ میلیارد ریال مالیات از دست رفته دارد.

۵. وجود نهادهای عمومی با گردش مالی بالا

بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور و ارزش افزوده آن توسط برخی نهادهای عمومی دولتی ایجاد می‌شوند (نظیر بنیاد جانبازان، آستانین، قرارگاه خاتم الانبیاء و ...)، اما از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

مالیات و اقتصاد مقاومتی

بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن براساس جهان‌بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، می‌بایست هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا می‌یابد (لواسانی، ۱۳۹۱)

نگاهی گذرا به وضعیت اقتصاد متکی به نفت نشان می‌دهد که طی دهه گذشته، وابستگی کشور به درآمدهای نفتی افزایش معناداری پیدا کرده که عملاً اقتصاد کشور را به اقتصادی تک محصولی مبدل کرده و اگر در آینده نتوانیم بر این مشکل فایز آیم، به طور قطع با مشکلات متعددی روبه‌رو خواهیم شد. از این‌رو در سایه اقتصاد مقاومتی و تلاش در جهت کاهش وابستگی‌ها به نفت، می‌توانیم در جهت رسیدن به اهداف مورد انتظار گام برداریم. کارشناسان اقتصادی معتقدند برای زمینه‌سازی اقتصاد مقاومتی باید برداشت صحیحی از اقتصاد ملی و همچنین فضای اقتصاد جهانی و نیز فشارهای خارجی که کشورهای غربی به ایران وارد می‌آورند، به دست آوریم.

برخی از مهمترین اهداف تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند از

۱. مهار سوداگری و فساد، گام اول تحقق اقتصاد پایدار

منظور از سوداگری، فعالیت‌های غیر مولدی است که از تلاطمات و نوسان‌های بازار سوءاستفاده نموده و بهره‌مندی‌هایی را نصیب برخی افراد می‌گرداند. در اقتصاد مبتنی بر دلالتی و سوداگری، بخش مولد بیشترین آسیب را دیده و سازوکار اقتصاد به سمت حباب‌های قیمتی و نوسان‌های شدید سوق می‌یابد. چنین اقتصادی در مواجهه با فشار خارجی کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به سرعت متلاشی می‌شود. برخی سیاست‌های اجرایی مناسب ذیل این اصل عبارتند از: سیاست‌های کنترل زمین و مسکن، مبارزه با قاچاق و واردات غیر قانونی، ساماندهی فضای اطلاعاتی به منظور دسترسی یکسان آحاد جامعه به اطلاعات اقتصادی (لواسانی، ۱۳۹۱)

۲. مردمی‌سازی اقتصاد، ارتقاء مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها

برای این کار، در گام اول می‌بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای حضور موثر همه افراد در فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم شود. وحدت و همکاری میان فعالین می‌تواند به اشکال گوناگون شبکه‌سازی، خوشه‌سازی، زنجیره تامین و ... در دستور کار قرار گیرد. لیکن با محوریت نظم‌های جمعی میان فعالیت‌ها، آرمان‌های مردم‌سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها و فشارها ارتقاء می‌یابد (خالوباقری، ۱۳۹۲)

۳. خلاصی از وابستگی به درآمد نفت، مصداق خود اتکایی

سازوکارهای حوزه اقتصادی بایستی به گونه‌ای مورد بازبینی قرار گیرند که تمامی مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد، شناسایی نموده و درخصوص آن تصمیم‌گیری نمایند. در موارد کم اهمیت‌تر می‌توان این حوزه‌ها را متنوع و متکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد. در موارد خاصی نیز ممکن است جایگزین‌سازی کامل مدنظر قرار گیرد. برخی از سیاست‌هایی که در این خصوص قابل طرح هستند عبارتند از: جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند: مالیات و درآمدهای ترانزیتی و ... و نیز گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچک‌تر (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۴)

برخی موانع و چالش‌های پیش روی اقتصاد مقاومتی

وجود عوامل متعدد بر ایجاد فضای منفی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی

وجود موانع متعدد پیش‌روی تولید ملی

افزایش نقدینگی و عدم تناسب آن با تولید

وابستگی شدید بودجه سالانه کشور با درآمدهای حاصل از فروش نفت خام

ناکارایی نظام پولی و بانکی

وجود نظام مالیاتی ناکارآمد (حسنی، ۱۳۹۱)

با نگاهی به وضعیت فعلی کشور در می‌یابیم که هم اکنون در شرایطی هستیم که نیازمند طراحی الگوهای جدید و ساختارهای پویا و منعطف در زمینه‌های اقتصادی می‌باشد؛ لذا لازم است تا با ورود به حوزه سیاستگذاری مقاومتی، به ایجاد مکانیزم‌هایی در سطوح مختلف پرداخت که در سخت‌ترین شرایط و بیشترین فشارها، کمترین آسیب را به کشور برساند و از تجربیات کنونی به بهترین نحو استفاده گردد. با این حساب یکی از حوزه‌هایی که در حال حاضر باید مورد بررسی و طراحی مجدد قرار گیرد، سیاست‌های مالی با هدف کاهش وابستگی کشور به درآمدهای نفتی می‌باشد که از الزامات ایجاد اقتصاد مقاومتی نیز به شمار می‌رود. (میرکازهی، ۱۳۹۴)

رسیدگی به این موضوع خطیر باعث می‌شود تا با طراحی الگوهای پویا با هدف خارج کردن درآمدهای نفتی از دامنه درآمدهای دولت، علاوه بر ذخیره و فرآوری منابع گرانبهای نفتی و ایجاد ارزش افزوده در این حوزه به جای خام‌فروشی، سایر منابع درآمدی که در راس آنها مالیات می‌باشد موردنظر قرار گرفته و به طریق بهینه- ای از ظرفیت آن استفاده شود. با نگاه به تجربیات سایر کشورهایی که اقتصادی بدون نفت دارند نیز در می‌یابیم که مالیات از مهم‌ترین منابع درآمدی آنها به‌شمار می‌رود. برای مثال در آلمان، درآمدهای مالیاتی از اصلی‌ترین منابع درآمدی دولت به شمار می‌رود. مالیات بر درآمد حدود چهار درصد و مالیات بر ارزش افزوده نیز حدود سی درصد از بودجه این کشور را تامین می‌کند (غیبی، ۱۳۹۳)

توجه به ساختارها و مکانیزم‌های مالیاتی و سیاست‌گذاری مناسب در این حوزه همچنین باعث می‌شود که بتوان از سایر مزایای این ابزار مالی نیز به خوبی استفاده کرد. مالیات علاوه بر اینکه به عنوان منبع درآمدی محسوب می‌شود، می‌تواند به صورت یک ابزار تنظیم‌گری بازار، توسط دولت مورد استفاده قرار گیرد. ابزارهای تنظیم-گری که از جمله آنها مالیات است، این خاصیت را دارند که از سودآوری در بازار و ایجاد ارتباط نادرست بین کار و سرمایه جلوگیری کنند، اختلاف طبقاتی را کاهش دهند، رکود و تورم را تعدیل کرده و در کل، اقتصاد کشور را هدایت کنند. با این وجود، این ابزار مالی در صورتی می‌تواند تاثیرگذار واقع شود که از سه اصل کارآمدی، اقتصادی بودن و عادلانه بودن تبعیت کند چرا که در غیر این صورت نه تنها نمی‌تواند به اهداف خود برسد، بلکه می‌تواند تأثیرات معکوس نیز بر اقتصاد کشور بگذارد (جعفری، ۱۳۹۴).

متأسفانه در نظام مالیاتی کشور ما، تنها هدف درآمدی مدنظر قرار گرفته است و سایر جنبه‌های آن، از جمله هدایت اقتصاد، مورد توجه نبوده که البته همین هدف درآمدی نیز به خوبی محقق نشده است. اقدامات معدودی که در نظام مالیاتی کشور برای هدایت اقتصاد صورت گرفته نیز چندان موثر نبوده است. از جمله این اقدامات می‌توان به معافیت بخش کشاورزی از پرداخت مالیات اشاره کرد که در عمل نتوانسته است تحول قابل قبولی در این بخش ایجاد نماید. انواع چنین معافیت‌هایی در سیستم مالیاتی کشور در موارد مختلف با اینکه به وفور یافت می‌شود اما متأسفانه به دلیل استفاده نادرست، فقط باعث کاهش درآمدهای دولت شده و نتوانسته است که به اهداف خود در بهبود وضعیت بخش موردنظرش دست یابد. بنابراین نیاز است تا جهت استفاده بهینه از این ابزار مهم و حیاتی برای کشور، با بررسی بخش‌های مختلف که مالیات توانایی تاثیرگذاری روی آن را دارد، سیاست‌گذاری مناسب را در این حوزه انجام داد تا علاوه بر افزایش بازدهی این ابزار در جذب درآمد و کاهش وابستگی به نفت، تنظیم‌گری و جهت‌دهی اقتصاد کشور نیز که بسیار می‌تواند در بهبود شرایط و وضعیت فعلی مفید واقع شود توسط مالیات صورت گیرد (گرایی‌نژاد، ۱۳۹۱).

مالیات و تحقق اقتصاد مقاومتی

برای اداره جامعه اسلامی، دولت‌ها و کارشناسان اقتصادی از راه‌های مختلفی برای تأمین هزینه‌های دولت خود استفاده می‌کنند و یکی از این راه‌ها اخذ مالیات است. در زمان حکومت طلایی حضرت علی (علیه‌السلام) از راه مالیات عمومی همانند خمس و زکات جامعه اداره می‌شد. «یک روز از دوران حکومت، امام علی علیه‌السلام متوجه شدند که درآمدها با هزینه‌ها و مخارج برابر نیست، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) دستور دادند، بر اسب‌های سواری مردم مقداری مالیات تعیین کنند تا کسری بودجه برطرف گردد. به امام علی (علیه‌السلام) اعتراض کردند، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین کاری نکرد. حضرت علی (علیه‌السلام) پاسخ داد؛ در آن زمان ضرورتی نداشت و امروز که ضرورت دارد، من بر مؤمنین ولایت دارم و چون امسال وضع استثنائی به وجود آمد، می‌توانم با استفاده از حق ولایت بر اسب‌های شما مقداری مالیات تعیین نمایم.» (منتظری، ۱۳۶۴) در نتیجه اخذ مالیات برای تأمین اداره جامعه اسلامی یکی از ضروریات محسوب می‌شود و در دوران حکومت حضرت علی (علیه‌السلام) از اهمیت خاصی برخوردار بود و امروزه با توجه به دشمنی استکبار جهانی با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، برای تحقق اقتصاد مقاومتی این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (صولتی، ۱۳۹۴).

نقش مالیات در تحقق اقتصاد مقاومتی

یکی از مهمترین محورهای اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی تکیه مخارج دولت بر دریافت مالیات و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی می‌باشد. مالیات‌ها به عنوان معمول‌ترین و مهمترین منبع مالی برای تامین درآمدهای عمومی و یکی از موثرترین ابزارهای سیاست‌های مالی دولت به شمار می‌روند. دولت می‌تواند به واسطه آن بسیاری از خدمات اجتماعی و رفاهی را در اختیار مردم قرار دهد و به بسیاری از فعالیت‌ها و جریان‌های اقتصادی و اجتماعی سمت و سوی لازم را ببخشد (لواسانی، ۱۳۹۱). نظام مالیاتی پویا می‌تواند همه نیازهای یک اقتصاد مقاومتی را تامین کند، زیرا دولت‌ها برای انجام وظایف و اجرای تعهدات خود نیازمند منابع مالی هستند و مالیات به عنوان یک راهبرد می‌تواند اتکای درآمدهای کشور را به درآمدهای نفتی کاهش دهد، زیرا تامین مالی آن به وسیله خود افراد جامعه و مالیات‌های پرداختی آنها است که موجب بی‌نیازی مالی دولت به منابع دیگر شده و استحکام پایه‌های آن را به دنبال دارد. دولت‌ها با استفاده از نظام مالیاتی، حاکمیت خود را در کشور اعمال می‌کنند و به اقتصاد کشور برای رسیدن به هدف‌های ملی جهت می‌دهند.

اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تاکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. کوچک شدن فعالیت‌های اقتصادی دولت، پرداخت به موقع مالیات و جلوگیری از فرارهای مالیاتی از مهمترین راهکارهای تحقق درآمدهای مالیاتی و اجرایی شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. سازمان امور مالیاتی کشور، برنامه‌های مهمی را برای ارتقای کارآمدی و انعطاف‌پذیری نظام مالیاتی در دست اجرا دارد که افزایش قابل توجه تامین هزینه‌های عمومی را به دنبال خواهد داشت. جلوگیری از فرار مالیات، شناسایی مودیان و منابع مالیاتی جدید و استفاده از طرح‌ها و برنامه‌های نوین از مهمترین اهداف و سرفصل‌های نظام مالیاتی به شمار می‌رود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۱).

از این رو بخش عمده‌ای از پروژه‌های سازمان امور مالیاتی کشور از جمله اصلاح قانون مالیات‌ها، طرح جامع اطلاعات مالیاتی کشور و قانون مالیات بر ارزش افزوده زمینه‌ساز تحولی بنیادین در نظام مالیاتی کشور شده‌اند که با تداوم حرکت‌هایی از این دست به شکوفایی هرچه بیشتر اقتصاد مقاومتی و به تبع آن اعتلای همه جانبه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌ها خواهد انجامید. به هر حال مالیات می‌تواند به عنوان کلیدی‌ترین منبع درآمدی دولت، نقش بسزایی در شکوفایی اقتصاد مقاومتی ایفا کند.

نقش مالیات در اقتصاد کلان کشور

اقتصاد کلان شاخه‌ای از علم اقتصاد است که به عملکرد، ساختار، رفتار و تصمیم‌گیری یک اقتصاد در کلیت آن می‌پردازد، اقتصاد کلان با بررسی شاخص‌های کلی نظیر تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، شاخص قیمت سعی در فهم عملکرد کل اقتصاد دارد. در این راستا محققان اقتصاد کلان با ارائه مدل‌هایی رابطه میان عواملی همچون درآمد ملی، تولید، مصرف، بیکاری، تورم، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تجارت بین‌الملل و مالیه بین‌الملل در اقتصاد را توضیح دهند.

اقتصاد خرد و کلان دو شاخه عمده علم اقتصاد را تشکیل می‌دهند. اقتصاد کلان در واقع مطالعه و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و متغیرهای کلی اقتصادی (متغیرهایی مانند سطح کل تولید جامعه و عوامل تشکیل دهنده آن، سطح عمومی قیمت‌ها، سطح اشتغال، رشد اقتصادی و متوسط دستمزدها برای تمامی کارگران شاغل در اقتصاد)، بررسی روابط بین آنها به منظور پیش‌بینی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در آینده، و تصحیح سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی گذشته است. در تعریف مالیات آمده است: مالیات دریافت قسمتی از دارایی افراد توانمند از نظر اقتصادی و توزیع این دارایی به افراد ناتوان، به عبارتی دیگر از نظر اقتصادی انجام این عمل در بحث توزیع عادلانه‌تر درآمد مطرح می‌شود پس توزیع عادلانه‌تر درآمدها به این معنی است که شکاف درآمدی بین گروه‌های درآمدی جامعه کمتر باشد.

در این راستا، بدون تردید مالیات و نظام مالیاتی دارای نقش موثری در اقتصاد کلان کشور می‌باشد. مالیات به عنوان یکی از ابزارهای هدایت غیرمستقیم دولت از طریق تأثیر بر فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های توسعه صنعتی و اقتصاد کلان کشور نقش کلیدی ایفا کند. مالیات رکن اصلی در بودجه عمومی هر کشور است که به عنوان مهمترین وسیله در تخصیص منابع، حصول اشتغال کامل، درجه معقولی از ثبات قیمت‌ها، توازن حساب‌های بین‌المللی و بالاخره توزیع عقلایی و صحیح درآمدها میان طبقات و گروه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه، بهره گرفته می‌شود. در تعریف مالیات گفته شده است یک نوع هزینه اجتماعی است که آحاد یک ملت در راستای بهره‌وری از امکانات و منابع یک کشور موظفند آن را پرداخت نمایند تا توانایی جایگزینی این امکانات و منابع فراهم شود و در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد زیرا ابزار و امکانات دستیابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته است.

پرداخت مالیات از مهمترین عوامل رشد و توسعه جامعه محسوب می‌شود و موجب رونق اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی، افزایش خدمات و عمران و آبادانی کشور می‌شود. در حال حاضر بخش عمده‌ای از اعتبارات و درآمدهای مالیاتی، صرف عمران، آبادانی و امور زیربنایی کشور می‌شود. از این رو ارتقای روزافزون نظام مالیاتی و همگام ساختن آن با دانش روز، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی کشور دارد. بر این اساس، برنامه‌ریزی برای وصول کامل مالیات و جایگزین کردن درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای نفتی که در بیشتر موارد ناپایدار می‌باشد، از اساسی‌ترین محورهای برنامه‌ریزی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است.

بر همین اساس و با توجه به نقش مهم درآمدهای مالیاتی در توسعه و پیشبرد اهداف دولت، نظام مالیاتی همواره کوشیده است موانع و مشکلات پیش‌رو را با اتخاذ تدابیر مناسب برطرف سازد. در این راستا کوشش شده است فرایندهای مالیاتی کارآمد شده و بازده مناسبی داشته باشد. کارشناسان اقتصادی معتقدند وجود نگاه یکپارچه و یکسان به مودیان مالیاتی، ایجاد زمینه و امکانات مناسب برای همکاری اصناف در خصوص انجام تکالیف قانونی و صنفی آنها از مهم‌ترین مواردی است که نظام مالیاتی به آن توجه دارد (عسکری، ۱۳۹۲).

مالیات بر ارزش افزوده تکیه‌گاه قدرتمندی برای اقتصاد کشور است و نقش و جایگاه آن در سطح کلان اقتصادی بسیار تاثیرگذار و حیاتی است. مالیات بر ارزش افزوده به عنوان یکی از روش‌های جدید دریافت مالیات جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد کلان کشورها ایفا می‌کند و مالیاتی است که کلیه عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات به عنوان مودیان نظام مالیاتی باید علاوه بر بهای کالا یا خدمت عرضه شده، به صورت درصدی از بهای فروش کالا یا خدمات، در زمان فروش از خریداران اخذ و به صورت دوره‌ای (فصلی) به سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند. افزایش میزان اتکای اقتصاد کشور به درآمدهای مالیاتی، یکی از محورهای اصلی و مهم سیاست دولت‌مردان در سال‌های اخیر است که تلاش‌های زیادی برای انتخاب راهکارهای مناسب برای تحقق این هدف از سوی دستگاه مالیاتی به کار گرفته شده است (فشاری و همکاران، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

اقتصاد مقاومتی این است که اهرم‌هایی که می‌تواند دشمن از آن برای فشار بر اقتصاد استفاده کند مانند فروش نفت و یا کاهش واردات باید کند شده و در جهت عکس آن یعنی کاهش وابستگی به نفت، کاهش وابستگی به واردات نهاده و مواد اولیه و واسطه و حرکت در جهت خودکفایی تولید گام برداریم. مالیات‌ها در نظام‌های

اقتصادی کشورهای توسعه یافته، نه تنها ابزار تأمین‌کننده مصارف بودجه دولت محسوب می‌شوند، بلکه در اجرای سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی تعیین‌شده نیز نقش بارزی ایفا می‌کنند.

در اقتصاد ایران به دلیل مشکلات ساختاری که ریشه آن به مجموعه عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برمی‌گردد، اهمیت و اثربخشی مالیات‌ها در نظام اقتصادی به ویژه در بودجه‌های سالانه چندان مورد توجه قرار نگرفته است و تأمین مصارف بودجه از محل درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، تفکر جدی و کارشناسانه برای ایجاد اصلاحات در نظام مالیاتی را ضعیف نموده و یا در صورت طرح و مطالعه همواره (و در عمل) با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. البته در راستای توجه به برخی مفاد برنامه‌های توسعه کشور، سیاست‌های معطوف به ایجاد اصلاحات در نظام مالیاتی تا حدودی مورد توجه قرار گرفته است و منطقی‌سازی برخی نرخ‌های مالیاتی و لغو برخی معافیت‌های مالیاتی غیرکارآمد و تبعیض‌آمیز به موجب اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم، موفقیت‌آمیز بوده است. علیرغم جایگاه ویژه نظام مالیاتی در مساعدت به تحقق نقش محوری دولت در توسعه همه‌جانبه کشور مباحث مطرح شده در این مطالعه نشان می‌دهد که نظام مالیاتی ایران در مسیر پیشرفت و توسعه با تنگناها و دشواری‌های بسیاری روبروست. گستردگی حجم فعالیت‌ها و عملیات جاری از یک سو و تاثیرات متقابل ساختار اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور بر نظام مالیاتی از سوی دیگر ایجاب می‌کند که تمام عوامل موثر بر فرآیند توسعه به طور هماهنگ عمل نمایند و موجبات تسهیل در برنامه اصلاحات و تحول نظام مالیاتی را فراهم آورند. بدیهی است در شرایط فقدان این هماهنگی، نظام مالیاتی و دستگاه اجرایی متولی آن علیرغم تمام تلاش‌ها و بکار گرفتن تمام ظرفیت‌ها و توانمندی‌های درونی خود نخواهد توانست گام‌های بلندی در مسیر اصلاحات و تحقق اهداف تعیین‌شده بردارد.

منابع

۱. عسگری، علی، کالبدشکافی اصلاح نظام مالیاتی کشور: چالش‌ها، برنامه‌ها و عملکرد نظام مالیاتی، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی ویژه‌نامه کارنامه اقتصادی دولت، سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.
۲. گرایبی‌نژاد، غلامرضا، چپردار، الهه، بررسی عوامل موثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران، دوره ۶، فصلنامه علوم اقتصادی (دانشکده اقتصاد و حسابداری واحد تهران مرکزی)، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۱.

۳. پژمان، جمشید، درویشی، باقر، اصلاحات ساختاری در نظام مالیاتی ایران، پژوهشنامه مالیات، دوره جدید، شماره هشتم، مسلسل ۵۶، تابستان ۱۳۸۹
۴. صولتی، محمد، جایگاه و نقش اقتصاد مقاومتی در ایران و ارائه راهکارهای مناسب در جهت تحقق آن، خرداد ۱۳۹۴
۵. جعفری، انوش، صباح، محمد، راهبردهای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، بهمن ۱۳۹۴
۶. نصیرالاسلامی، ابراهیم، رحمانی، تیمور، ابریشمی، حمید، عوامل اقتصادی موثر بر بی‌ثباتی درآمدهای مالیاتی دولت، فصلنامه علمی پژوهش مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۴
۷. فشاری، مجید، پورغفار، جواد، بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی شماره‌های ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۹۳
۸. میرکازه‌ری ریگی، فیصل، نقش کارآفرینی در تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور، خرداد ۱۳۹۴
۹. شمس، شهاب‌الدین، احمدی‌میلانی، علی‌بابا، بررسی نقش بازار سرمایه در تامین مالی کسب‌وکارها در شرایط اقتصاد مقاومتی خرداد، ۱۳۹۴
۱۰. خالوباقری، مهدیه، شیلی قریشی، سیدمحمد، جعفرزادگان، امیر، اقتصاد دانش پایه، ابزاری راهبردی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲
۱۱. حسنی، محمد، شبان، مهدی، مختاری، مسینایی، مریم، مودی، محسن، بررسی عوامل تاثیرگذار بر ظرفیت مالیاتی پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی استان خراسان جنوبی با استفاده از مدل ARMA، سازمان امور اقتصادی و دارایی و اداره کل امور مالیاتی خراسان جنوبی، بهار ۱۳۹۱
۱۲. مهدوی‌فر، سیدعلیرضا، دیانتی، محمدحسین، دریافت مالیات با بکارگیری استاندارد EBXML گامی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، اولین همایش ملی فناوری مدیریت دانش با محوریت اقتصاد مدیریتی، ۱۳۹۳
۱۳. غیبی حاجی‌ور، سیاوش، محمدی، رضا، آمارهای مقایسه‌ای مالیاتی، ۱۳۹۳
۱۴. لواسانی، سیده زینب، اقتصاد مقاومتی در امتداد جهاد اقتصادی، اقتصاد تبیان، ۱۳۹۱